

سبه و تدارك پيش قدمی را منحصر بر آن میدانند که  
- حق زمستان نگذرد بدین سبب بله‌ای بسیار زاید در  
وقت فرار خود از آن نواح خراب کرده که سد راه  
پیش قدمی قشون ژاپون گردد - رودخانه بین (وغو)  
و (نیوجوانگ) برای عبور و مرور کشتی‌ها آزاد  
و گشاده شده است

§ (۲۱ و ۲۲) شهر جاری در (ریب) طه‌قان  
شدیدی شده رراعت را خراب و خانه‌ها را ویران کرده  
سیاری از اهالی شهر برشان و بی‌حاشیانه تاجین  
سرمک بست و چهار هر اذات معلوم شده است  
(۲۷ مارچ - ۹ محرم الحرام)

§ جنرال (کرو باتکن) سه سال در رس در جنگ  
اصای شرق بحال (مکدن) حرکت نمود

§ امیرالبحر (مکاروف) اعانحضرت امپراطور روس  
را تکلیفاً اعلام نموده که در تاریخ بیست و ششم تا دس  
ارکشتیهای جنگی که جدید فرود موشک و کروساژ بود  
رای ملاحظه استحضکات جنرال این نواح حرکت کرد

§ از پترزبرگ تلگرافی رسیده که حکومت ولادی  
و سک اهالی را امر نموده که رک شهر نگویند ولی  
عیر از مردمان معمول سرمایه دار دشوار است بواسطه  
در آنها توقف نماید هرکس اراده توقف در ولادی و  
سک دارد باید آذوقه هشت ماه خود را موجود داشته  
باشد سگها همه بسته و قحطی پول شده است

§ جینی‌ها که در مین دعال (آسوری) در منچوریا  
کار مکرر دست از کار کشیده اند

§ از پترزبرگ مجدداً خبر رسیده که ژاپونها سعی  
در اسداد بوطار سد آرتر بود حرکت صمیمانه کردند  
ولی نتیجه رای آمان حاصل نگردید

§ رسماً اعلان شده که (لارد کرن) فرمانفرمای هند  
حکمران صادر سکوان مقرر شد  
(۲۸ مارچ - ۱۰ محرم الحرام)

§ رسماً در پترزبرگ انتشار یافته که تسبیح بیست و  
هفتم شهر جلوی چهار کشتی بزرگ تجارقی که شامل

آنها کشتیهای موشک ژاپون بود به بندر آرتر  
برو آورده کشتیهای روسی و محافظان دریایی تلفت شده  
یک مرتبه بر آنها شلیک نمودند (لقتلت کریمن) که  
حکمران کشتی (ساق) بود در جبهه بر آنها آغز  
شلیک نهاد و کشتی حلو را هدف گلوله ساخت کشتیهای  
ژاپون خود را بکنار کشیدند مجدداً کشتی (ساق) در  
حلو کشتیهای تاری پیدوی ژاپون بممرکه آرائی ایستاد هفت  
فر مقتول و سیزده نفر محروح شدند در آنها یک  
افسر هم قتل رسیده است

§ مجدداً قرب طهر کشتیهای ژاپون عودت نموده  
جهازات روس در مقابل آنها ایستاده جنگی سخت  
واقع شد کشتیهای ژاپون عاقبت مجانب جنوب  
حرکت نمودند

§ از خبر رسمی طاهر می‌شود که چهار کشتیهای  
ژاپون که برای سد بوزار بندر آرتر آمده جنگی  
بوده است به تخریق

§ در پترزبرگ شهرت یافته که در این جنگ تخریب  
یک کشتی موشک روس تخریق شده است

§ (جنرال کرو باتکن) سه سال در جنگ اصای شرق  
وارد (مکدن) گردید

§ مایا جبری در پترزبرگ شهرت یافته که در  
تاریخ ۲۷ و قتیکه کشتیهای جنگی ژاپون حواسند  
وارد بوزار بندر آرتر شوند دو کشتی روس که برای  
نگرانی در خارج بندر بکین بود بر آنها شلیک کرده  
چون ژاپونها مصمم جنگ نبودند عودت کردند

§ کشتی جنگی روس (ساق) از نارنجیکه در چین  
جنگ بدو رسیده همان بلقه خراب شده است کشتی  
مزنور در وسط کوه های دریا رفته با رحمت جنود را  
ساحل رساید

§ (جنرال کرو باتکن) بحال (سامسک) حرکت نمود

§ دولت روس در (نیوجوانگ) قانون جنگی (مارشل  
لا) جاری نموده حکومت روس بقونسلیهای خارجه  
رسماً این خبر را داده و اختیارات آنها را محدود  
ساخته ولی تسبیب اختیارات قونسلیهای خارجه را محدود  
بمشوره ما دولتی خود نموده است

عبرت اهل وطن

ترجمه روزنامه شرق روس

که در تفریس طبع و نشر میشود

شرق روس روز یکشنبه ۷ شوال در شماره صد و نه در صفحه چهار ستون دوم فقره ذیل را نگاشته -  
عص جالب نظر دقت هیئت اجتماعیه و تنبیه و تنبیه وکلای خود پسند و والیان مستبد جبار و حکام ستم پیشه غدار مینگاریم - تا بدانند هر قدر سر خود را زیر برف کنیم خودی و بیگانه دوست و دشمن افعال ناروا و سکر دار نا شایسته ما را از نظر دقت دور نداشته و ندارند و زشتی روش مایان

( داستانیست که در هر سر بازاری هست )

حاجی ملا حسن ملازاده که یکی از مدرسین مدرسه شاه عباس جنت مکان در شهر گنجه است فقرات ذیل را نگاشته ( شرق روس مینویسد ) ولو مرسل الیه آخوند فضیلت شمار نبوده خدمتی را هم از اداره دارا نبود چون مکتوبش حاوی برخی معلوماتیست که دقت عمومی را جاب خواهد کرد - لذا اشتهاراً درج و سموم ظاهر میداریم آنچه را در روزنامه مندرج بینند از برای مغایره با صاحبان آن نباید بداره روزنامه مراجعت فرمایند - زیرا آدرس نگارنده را نموده آنچه نگاشته عیناً درج نموده ایم

ادبیات

( نیاز )

( از باکو )

در بادکوبه (نیاتر) مشوار مسلمانان را اجرا میدارند در (نیاتر) کردار حاکمان بی انصاف و خوانین بیروت ستم پیشه و حکمهای دولتیان ایران که همگی مخالف قانون شرع و روش حاملان بی رحمت که بطور غدارانه رشوه گرفته قاتل را رها مینمایند - سهل است در عوض قاتل بیگناهی را برگزینار و جزا نموده - آنان

نستند مگر دشمن شریعت که به بندگان خدا بلاسبب اذیت مینمایند - ملک پادشاه را ویران و رعیتش را پراکنده می سازند - اسلام را دوچار ضعف مینمایند - اینان گروهی میباشند دائم الحمر تارک الصلوات که روزه نمیگیرند سهل است ایان بهران ندارند

در (نیاتر) تقاید این خائشان را که در دولت ایران مستخدمند و وضع حکومت ایران را بیرون آوردند و زحمانی را که ایرانیان مظلوم از حکام ظلم میبرد بمردم نمودند

با نیز هویدا گردید که بچاره رعیت ایران از دست اهالی دیوان رشوت خوار (که خون آن بچارگان را هدر و مقصر را رها و بیگناهی را در عوض گناهکاری گرفته اشکنجه مینمایند) چه میرسد و تا چه درجه دوچار زحمت و مشقت طاقت فرسا میباشند خداوند بآنان نجات عنایت فرماید ( م - م )

در ذیل این فقره قصیده را که کرمانی محمد حاجی آقا زاده متخلص بسبب اردو بادی بلکه تخریب نامه را که او بترکی سروده درج نموده است که هیچ غیرت مند نمیتواند آن قصیده را بخواند و خون از دیده نیارد بلی در دولتیکه رعایت قانون التزام نشود و دستگاه قانون و اجرا از یکدیگر جدا نباشد و از برای هر جرم و جنایت و خدمت و خیانت مکافات و جزا تعیین شده باشد نتیجه بهتر ازین بروز نخواهد کرد تا امروز بیوسه شکایت از حکومت که جهانی مینمودیم و بحضور مقدس علمای اعلام نظلم می ردیم - علمای اعلام از وضع حکومت و گرفتاری ملت و پریشانی دستگاه دولت تا یکدرجه بی اطلاع بودند - و امروزه کار از برده بدر افتاد و اساطین دین مبین نیز از وضع دستگاه بین و گرفتاری ملت آگاهند و همه گونه قدرت را خدای توانا به نیروی شریعت خرا بآنان کرامت فرموده - لذا اگر در صدد اصلاح امور جمهور و حفظ دولت و حراست حوزه اسلام جدا بر نیامده تکامل را روا دارند باید بحضور

قادر حقیقی و حضرت حجة محل الله فرجه شکایت بریم  
و عرض نمایم

دانا خداوند ، آنکه به نیروی شرع شریف  
سوی ما همه گونه قدرت و توانائی را به جا نشینان ولی  
خود مرحمت فرموده - از ناد بردند و وعده های  
نہرا که در قرآن تصریح بآن فرموده و چشم از وراثت  
روی زمین پوشیدند و درکنج انزوا آرمیدند - و غفلات  
فرمودند از کلمات تو در اظهارشان خود بر سایر  
شئون - و دست کشیدند از سود این سودا که وعده  
خریداری نفس و اموال آنان را درمقابل اعلائی که  
فرموده بودی شایع گذاشتندشان امت را از عدم اعتناء  
بامور جمهور - و اسلامرا از دروه عزت تحسین ضعف  
و دلت انداختند - و خوب فرمودند که جبهه اعلائی که  
حق و اعلائی شأن مین بر پای نخواستند - و همدست  
اتفاق نگردیدند و حال آنکه دارای همه گونه توانائی  
و قدرت و دید و میداستند اتفاق در تقویت و تعزیز  
ولایت اسلامی از محکم ترین اکان دین پیغمبر است -  
و اعتقاد باین در نخستین آئین اوست - و حال آنکه  
آواز ناله مات را می شنیدند - و میدیدند که اشک  
حسرت پیوسته بر گونه افراد مات جا است - و در دست  
طلام گرفتار و از جمیع حقوق خود محرومند

احاط از هر طرف دست تطاول پال و جان و عرض  
و ناموس و وطن عزیز آنان دراز کرده - چاره همه بیماریها  
در سایه تمام و تفیق کلا آنان میباشد - و میداستند  
بقای اسلام بسنه برای دو دوات اسلام است و سلطنت  
با کفر می نماید و ظلم میباشد - و بر مظالم و کلائی مستبد  
ایران کما یبق اطلاع حاصل نموده بودند - و از ضعفی که  
بواسط سوء اداره جبهه دوات ، مات رخ نموده آگاه  
بودند - و بخوبی میداستند و حوه خزانه بیت المال که  
باید جبهه حفظ ملک و ملت بمصرف قوه جهادیه  
رسد ممکن بمصارف کیفیت جوی از خدا بخیران میرسد -  
اقدام فرمودند در آنچه بر ذمت همت آن جنابان فرض  
و واجب بود - لکن محسن انجام حجت یادآوری می نمایم

ای اساطین دین مبین که مواعید خداوند کریم را  
تصدیق و مجاهدت را فرض می شمارید - هنوز که فرصت از  
دست نرفته متفق الکلمه بمحو رسم نجس نجس استبداد  
قد علم فرموده و قانون مقدس را حاکم کل نمائید - دوازه  
ده لقا تنظیم - و امور عالی را اصلاح - و اصول مشورت  
را جاری - و مخارج لازمه را تحدید - و خزانه بیت المال را  
از اسراف و تبذیر مصون - و جمیع مات را مجبور بآ ماده  
شدن جبهه دفاع و جهاد فرموده - از رئیس و رؤس تماماً  
را سوگند دهند که مرتکب خیانت در امور جمهور  
نشوند - مکافات هر حسن خدمتی و مجازات هر خیانتی  
را مشخص و نگذارید احدی بلا سبب متعرض فردی  
از افراد گشته و یا دیناری از خزانه بیت المال را من غیر  
حق تصرف نماید - دستگاه قانونرا از دستگاه اجرا جدا -  
و در هر اداره از طرف خود امینی تعیین - و پیوسته  
افعال امنای خود را نفتیش فرمائید - که عالم نا پرمیز کار  
کوربست مشعلدار - طاعت برخی از خدا برگشتگان که  
تا از عتبات عالیات برگشته همه چیز را از یاد برده و  
از پیروی شریعت نبوی یکباره انکار دارند - بلی

غول باشد نه عالم آنکه ازو  
بشنوی گمت و بشنوی گفتار  
بر خود آنرا که پادشاهی نیست  
بر کسانش تو پادشاه مشهار  
افسری گونه دین نهاد بر سر  
خواهس افسر مشهار خواه افسار

زیرا ر این فساد علماء همه را فاسد - و بازار  
شریعت را کاسد - و ملت را از همه چیز محروم  
گذاشته است - و این نکته را البته از نظر اعتبار و  
اعتنا نباید - دور دارند

سی سال قبل افغانستان که در حقیقت مارتی از امارات  
ایران بشمار بود در حالتیکه صف اورا انگلیس ضبط  
نموده و قندهار را متصرف بود امیر عبدالرحمن خان  
متوفی با دست خالی از خاک روسیه داخل خاک وطن  
شده با جهد و کوشش دشمن را از خانه خود رانده  
و مملکت خویشرا آرام و مصارف پیروده را لغو

و انظام د لر جهادیه را فرض شمرده - باسلاح او پرداخته با همه آن آشوبهای داخلی و جهالت مات چنان انظام داد - که بعد از چند سال چشم طمع سه همسایه قوی خود را از خاک افغانستان قطع نمود - نبود مگر جهد و کوشش يك مرء ز علم دورانیش کامل الصفات - همه نفوس افغانستان بچهار مایون نمیرسد و ایران امروزه دارای بست مایون نفوس است - که اگر صاحب داشته باشند هیچ قوه بر آن غلبه نمیتواند جست - افسوس که بملکت خراب ملت غافل و دوچار فلاکت و از جمیع حقوق خود بخیبر است - حال پادشاه و ادارات دولت امروزه نظیر قصه ایست که ذیلاً مینگاریم

شخصی قطعه زمینی را بچید فر مقاطعه داد تا مدت معلومی از برای اوباغ بسازند انهار - جاری سازند - در اطرافش دیواری استوار کشیده تسلیم دهند - وجه تعمیر را هم اقساط مقرره پرداخت ولی غفلت از رسیدگی و نظیش نموده تا وعده منقضی گردید - و هنگام تسلیم گرفتن باغ فراز آمد - در این مدت چون موحر بخیبر و ابداء رسیدگی بکار آنان نکرد - بود مستأجرین خیانت بشه بدون بیم و اندیشه وجومات مأخوذه را بمصارف کیفیه رسانیده و ابداء اقدامی بنعمیر و نشخیر و ساختن در و دیوار باغ نموده بودند - همینکه روز بیعاد فراز آمد موجر مستأجرین را حواصه گفت باغ با تمام رسانیده گفتند بلی - برسد دیوار چهار طرف کشیده شده گفتند آری - سوال کرد اشجاری که مشخص نموده بودند فرس شده عرض شد نم - کوشکی که باید در وسط بنا شود تمام است گفتند بلی - نهرها کشیده شده آری - تالاب و برکهها موجود است بلی - بوجه کاشته شده بلی - صاحب باغ با کمال بشاشت و خرمی جبهه سیر و تماشای باغ روی بصحرا نهاده - تا رسید زمینی که جبهه باغ تعیین نموده بود - دید زمینی است خشک خالی - متفیرانه پرسید اشجار کو؟ در این صحرا

درختی دیده میشود جواب دادند غیر ار اش - در همه چیز آماده است سوال از انهار نمود پاسخ داد - غیر از بچرای آب کارهای دیگر همه ساخته شده - گفت دیواری از برای باغ دیده میشود که مانع از در و دیوار و جاربا - حانوران باشد همان پاسخ دادند - فقط دیوار باغ بجا مانده که کارش تمام شود - گفت هنوز زمین باغ هم شخم نشده جواب دادند که کارهای دیگر همه تمام است يك شخم مانع است و این دوات عالیة ایران باغی مشجر با اشجار مڈر و انهار جاری که در زمینش گل و دریاچه بساطت فرس گسترده و هزار شگونی يك بختی در هر ا - داده اوشکفته - و آب سعادت از حویبار او جاری - در تالاب و سردیورش کوه بود بدست - آنچه از حدای بخیبر و مأمورین وادای میں سپرده و سرد بحالت وادی غیر ذی درع در آورده اند - انوار - اهالی ، اله و حیران - خزانه بیت المال صرف ادره کینیه هفت حواریان بیمار و ننگ - مردمان حاکم - از وجود شرارت نمودشان حز سر رشته برتی - سیدی و بی انسانی به بچاره مردم عوام ادا - وتری بحدول نه پیوسته - نمی پیوندند آنها از راه اسلام و عالم اسلامت بدر روری از امروز بتمو - آمد ؟ آرزوهای اعلام یعنی اساطین دین - بین د صد نظم ایران بر نیابند و ده های متمدن البیان هیئت اجتماع را درمان فرمایند و بیان لارمه دوات مارا ترکیب و تشکیل نکند این معنی از احدی ساخته نخواهد بود - این فرصت و مجال که بر حسب اتفاق و بخت هنوز از برای ما فراهم است دیگر بدست نخواهد افتاد - و نزدیک است که امراض همجواران ما ظاهراً و باطناً مانع از ارتقا و اعتلای دوات و ملت اسلام آید

مغنی نیست که امروزه در ایران اساط و امر دولت را در کار است حرام بجا نموده نکرده نزدیک است که آن نام هم از میان در آنوقت هیئت اجتماعیه اصلاحیه باید

اقتراض شوند - بلی هر ملق صکه دولت ندارد هیچ ندارد مانند پود و ارامنه - و اگر دولت دارد همه چیز دارد بقای هر يك از دول اسلام بسته به بقای آن دیگرست - مثلاً اگر جمیع راجه های هند اتفاق میداشتند هرگز انگلیس و غیره نمیتوانستند هیئت اجتماعی دویست و هفتاد میلیون نفوس هند را تحت اسارت خود در آورد - و چندین سلطنت را محو و منقرض نماید اینک بر اساطین دین واجب عینی است که با اتفاق و اتحاد دولت در صدد رفع نقایص برآمده و اسباب ترقی دولت را فراهم آورند - آنها میشود مگر با اجرای قانون که اساساً بر دو قسم منقسم است اولاً قانون دوایر حکومت که اساس تشکیل و استواری دولتست - دوم اصول محاکمات حقوقیه و جزائییه - اما قانون دوایر دولت یعنی اداره ملکیه امروره بر هر ذی شعوری روشن و هویدا است که باید از روی قوانین دول اروپا بدون کم و زیاد گرفته شود - زیرا بعد از هزار سال ترقی در علم اندان و صد هزار گونه تجربه از هر گونه نقص مبراست - و قانون محاکمات جزائییه و حقوقیه قانون شرع مقدس است و بس - ولی باید اصولی اتخاذ شود که امور دوایر دولت و حکم الله برای و اراده متقلین خود پرست از خدا بیخبر محول نشاند

(کافر من اگر این طایفه دیندارانند)

تشکیل اینگونه حکومت در اروپا مستلزم خون ریزیهای بی شمار بود - ولی در ایران برخلاف اروپا هیچ مانع و عایقی تصور نمی آید - مگر يك مانع که دفع و رفع آن هم است با آن قوه منضوی که قادر کل از برای دولت علیه ایران فراهم فرموده بسیار آسانست و تا حال که وکلای حایین و امرای غدار مانع و حایل بوده اند از ترس خودشان بود که نمیگذارند دولت علیه ایران از آن قوه خدا داد استفاده حاصل فرماید - و آن قوه قوه قدسیه است صکه حضرت پروردگار بملای اعلام و اساطین دین که پیوسته حاضرند از همراهی

با دولت در فراهم نمودن هرگونه اسباب سعادت ملک و ملت عطا شده - ولی امنسای بی دین و وکلای خاین دولت محض هواجس نفسانی و اغراض شخصی تا حال دولت را در ماده اساطین دین مشته نموده و مانع آمده اند صکه دولت از وجود مسعود محترم آن بزرگواران استفاده نماید و این نعمت بزرگ و نیروی سترگ خدا داد را مهمل و معطل گذارده اند - سهل است بجدی در اطفاء این نور و گرامی عموم پرداخته صکه در داخل و خارج مردمان غافل از روی بخبری بلکه بخردی و جود مسعود ایشان را که جبه دولت و ملت بلکه عموم مسلمانان خیر محض و محض خیر اند مخالف دستگاه دولت قلمداد نموده و مینمایند و این احتسار خائنه آنان سبب اشتباه و گستاخی جهال خانگی و دشمنان خارجی شده است و بدین واسطه بیوسه هر نوع خیال باعتبار و شأن دولت و ملت رسیده و میرسد و حال اینصکه چه برای اعتبار و اقتدار دولت چه برای رفاه و سعادت حال رعیت وجود اساطین دین منضم نعمات بی اندازه است که سایر دول و ملل تا این اندازه را آنگونه نعمات محروم بوده و هستند اگر صاحبان این دو قوه طالب میباشند که طاهرآ و باطناً از قوای خود استفاده نمایند باید از طرفین مراقبت و مواظبت شود و این اختلافی صکه مخالفان دین و دولت بخرج خلصی و عام داده از میان مرتفع و مبدل بوفاق و یک جهت نمایند

کثر آدم در ایران یافت میشود که مانند فیلسوفان رمان و برخی دانایان خارج از ایران ملایقت مضرت شهرت نفاق و اختلاف میان رؤسای روحانی و جسمانی بوده و تأسفها حورده و میخورند نقصی که خائنین از برای اساطین دین بیان مینمایند عدم اطلاع از وضع زمان و مراتب اقتدار و درجه اغراض دول همجوار است صکویا تصور میفرمایند درد عمده ملت همین درد خانگی است و صکافی میداندن اطلاعات خود را برای ریاست و حفظ ممالک مسلمانان



و نیز میفرمایند که گزیده است آن عهدی که بدون اجلال و محاممت خارجی هر ملتی مقتدر شود در گوشه کرد آمده بآئین اجداد پیروی و با رؤسای شریع شریف به فراغت مشغول امور دنیا و آخرت خود شوند - در این عهد هزاران علم و فن و رندی و جلای برای ملک و رعیت داری و ریاست مطاعه ضرور و در کار است که ساحه قدس اساطین دین مبین از لوث آنها پاکست

طایفه تصدیق این قرة بلیکانه را مینمایم و در پاسخ میگوئیم مجباً درین هفتاد سال که دست هماید اسلام را از کار مملکت و دوائت حکومتان نموده اند و زمام اختیار ملک و ملت را بید قاهرانه خود گرفته بجلب حکدام طبر و دفع کلام شر و ضرر اثبات وجود نموده اند - مگر آنکه با کمال بیدردی نصف مملکت ایران را برایگان از دست داده - و بقیه ملک را ویران و اهالی مملکت را با خاک یکسان کرده اند - امراض مینمایم از دمردن پیش ازین از شئون وجود مضرت نمود ایشان - و بحضور اساطین دین و هماید ملت با کمال هجز و انکسار عرض و یاد آوری مینمایم جهت ادای تکالیف شریعی و ملی خودشان که امروز برای نجات و اخلاص کشتی شکسته وطن از غرقاب مهالک و فتن بر آنان فرض و واجب است که پادشاه رؤف مهر بان طرا از زخمهای ناسور که خائنان بر بدن ملک و ملت بلکه دولت وارد آورده بیگانهانند و در حضرت شاهنشاهی مبرهن و آشکار سازند با این وضع که از ادارات جز ظلم و ستم و افراط و تقریب چیزی بروز نمیاید ملک و ملت نمی باید - اساس سلطنت استحکام نمیاید و چاره همه اینها منحصر به قبول اصول مشورت و اجرای قانون و منع اختلاس و تعیین وظایف و اخذ اصول مساوات و ترتیب مکافات و تکلیف و کمال اعتنا در اجزای جزء جزء قوانین موضوعه و تدابیر صحیحه در خصوص قوه جهادیه و اجرای اصول قرعه و تعداد نفوس و استحکام امور و تیره و تار و لوازم دفاع و ریح

و دفع حکالت و بزمردگی از عموم و منع استعمال مسکرات هموماً و تریاک خصوصاً میباشد - و شرط عهدش آنست که بر حسب تکلیف شریعی در هر دوازده يك امین از طرف خود آن جنابان باشد و تفتیش حال امنای خود یعنی هلهای ایران را نیز از نظر اعتبار و اعتناء دور ندارند

نفس او در هاست او کی مرده است

از غم بی آتی افسرده است

تا امنای شرع در کسوت تقوی بر آن فرقه قدم نجویند و آبروی شریعت را نبرند - در دنیا مطیع تر و آماده تر جهت ترقی از مات نجیب ایران یافت نمیشود - ولی وکلای امور کار را بجائی رسانیده اند که آثار عدم تحمل در همه مایانست - و در نزد جمله اهل وقوف موجد است که امروزه اغتشاش داخلی مایه محوماست - و این مسئله هم شبهه نشود که گویا نباید احدی جهت حفظ حقوق خود سخن راند اینها سخنان مفرضانه است لازم و واجب فوریت که هر فرقه و طایفه در سر حق خود کمال استادگی را نموده و نگذارند بقدر ذره از حقوق آنان پامال شود مثلاً دوائت دیحق است جهت حفظ نفوس ملک و حقوق ملت و دفع ساطه غیر از رعایا بطریق مساوات مالیات اخذ نماید - و بلکه مخارج لازمه را بمقتضای وقت بملک نموده و از مات بخواهد و مات هم حق آنرا دارا میباشد که همه ساله حساب دخل و خرج را از وکلای دوائت مطالبه نماید و اگر تمرد نمودند آنان را با کمال مقبولیت مجبور از و نمود کردن حساب نمایند - و بر عهده اعلام و وکلای حضرت حجة سلام الله علیه فرض واجب است که در این خصوص ملت را بخود وا نگذارند که مبادا از آنان حرکت جاهلانانه بروز نماید زیرا يك که که فرمودند کار بدون شورش و غوغا اصلاح میشود - از خادم و مخدوم همگی مطیع امر آن جنابان میباشدند که در مرتبه امر ولی کل است

مثلاً حق ملک است هر امتیازی را که قیولت نسبو

برخلاف خیر ملک و ملت بخارجیاداخله داده است نشانند  
بعلمت آنکه شخص واحد بخودی خود نمیتواند بدین گونه  
چیزها اقدام فرماید. زیرا از طرف جمهور ملت داری  
وکالت مطلقه نیست. لذا دولت باید در معاملات خود  
باریک بینیها فرماید تا خدای نکرده کار بجائی نرسد که  
هیئت اجتماعی امتناع از اوامر و فرمان او نمایند. و کار  
بجای نازک برسد. باید همه بدانند کار از آن گذشته که  
سحن در برده گفته شود. مداهمه و تبصیص بخرج  
یکدیگر بدهیم. اگر دولت طالب بقای خود میباشد  
از همه چیز فرض تر آنست که بمصوم مات آزادی بچشد  
تا عیب و نقصها آفتابی شود و کم و کاستها مشخص و  
معلوم و هیئت اجتماعی مات دست بهم داده از روی جد  
باصلاح همه چیز خود اقدام نمایند و باید این معنی را هم  
از نظر دور نداشت که بالطبع امروزه مملکت ما از دست  
اندازی همایگان مصونست مگر مانند گذشته وکلای  
نامرد و امنای خان منساقی پارچه پارچه برایگان  
به بخشند و کسی خبردار نشود

ایقوم قدیم ایران ای فرزندان وطن عزیز. وقت  
آن رسیده بلکه قدریم گذشته است که از خواب غفلت  
سر بردارید و در حفظ حقوق خود و همراهی بادوات از  
فدای سر و بذل مال و جان دریغ ندارید. که اگر تأمل  
و تقافل ورزید سر خواهد درمت با سامان. ملک خواهد  
رفت با پان حضرت رسالت صلوات الله و سلامه علیه فرموده  
حب الوطن من الایمان

دین و دولت پرست وطن دوست

مکتوب از اسلامبول

مؤید الاسلاما - خبر تازیکه از طرف قرین اشرف  
اهلی حضرت اقدس شهر یاری خلدافه ملک عنوان وزیر  
اعظمی حضرت اشرف والا (عین الدوله) مرحمت  
نده است. هر چند در دوات جلیله قاجار به بملاحظه  
عدم انتقال سلطنت از خانواده بخانه واده آخر رسم  
نیود عهده صدارت و وزارت مایه بشاهزادگان  
عظام واگذار شود. ولی شنیدم در شهر رمضان

نواب مستطاب حاجی شیخ رئیس در منبر فرموده اند  
جرا باید شاهزاده مجتهد و یا صدر اعظم نشود گویا  
ملهم بوده اند که روزی چند نگذشته چنانچه خودشان  
بایه اجتهاد را دارند عنوان وزیر اعظمی هم در ایام  
حضرت اشرف والا بر قرار آمد. این بنده را درک  
حضور مبارکش میسر نیامده ولی بوم حرکت حضرت  
اشرف پرس ارفع الدوله که بسمارت سنیه رفته بودم  
تا گراف حضرت اشرف والا در پاسخ تبریکی که پرس  
ارفع الدوله عرض نموده بودند رسید. و بر مضمون  
تا گراف عزیز تا یکدرجه آگاه گردیدم. از مضمون  
تا گراف درجه قدر شناسی و پایه بزرگواری آنحضرت  
هویدا بود در منتهای درجه پایه امیدواری آمد بین  
دارم که وزارت حضرت اشرف والا نشانه ترقی و  
سعادت دستگاه دوات و افراد ملت است. زیرا در  
حضور اشرفش واضح و مبرهن است. استواری و اعتلای  
شان دوات در برتو نیرو میسر تواند آمد. و نیرو همایان  
کثرت نفوس زبردستان و ثروت مملکت بدست تواند شد.

( رعیت چون رعایت دید ملک آباد میگردد )

گرد آوردن رعیت و صاحب ثروت نمودن آنان در  
سایه عدل و داد میسر. تا سپاه در خور مقصود و  
فراهم و طایزیم آن آماده و مهیا گردد. و اجرای  
عدل بدون قانون محال و تمتع است و وضع قانون بسته  
بگرد آوردن هیئت ارعابا و دامایان و آزادی افکار  
هموم است. اگر حضرت اشرف والا این مراتب در  
منظور نظر مبارک دارند بقای دوات ابدایت ایران ما  
با دوام سلطنت سلسله جلیله بانی و باعث خواهند بود  
بیش از اینم محال نیست ( ایرانی دولتخواه )

جناب مستطاب شریتمدار ملا ذالامام آقای آقا  
میرزا ابوالقاسم دام افضاله آقا زاده جناب مستطاب  
حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد مجتهد طباطبائی  
مکتوبی که کاشف از دین داری و خیرخواهی است  
باعبار فرستاده اند چون مضامین آن نمودند و منصفند

و واضح بنوع بود لذا درج آنرا لازم دانستیم

مکتوب

مرض میشود - لازم دانست مختصری مفید بحال اسلام و اسلامیان بطریق باد داشت نگارش دهد که غیرتندار را تذکری و خفتگرا از خواب غفلت بیداری بخشد و در ضمن این بنده را هم مزد و ثواب بهره گردد در هزار و سیصد و اندی پیش از ما حضرت باری جات عظمت بزرگ . امیر خود احمد مختار صلی الله علیه و آله را برسالت اختیار و برای اعلائی کلمه توحید مبعوث فرمود - اول گروهی که آنحضرت گروهی اندک و بی چیز و پریشان احوال بودند این جماعت قلیل دست بدست یکدیگر داده از پیشرفت این مقصد مقدس از بذل جان و مال دریغ نفرمودند تا به شتوانی اتفاق و یک جهتی در اندک زمان شرق و غرب عالم را مسح کردند وصیت اسلام کران تا کراترا فرا گرفت و صوت اذان آهنگ ناقوس را خاموش نمود - و این خود پیداست که این پیروزی و بهره‌زی را نیافتند مگر با اتفاق کله و اتحاد آراء و نیز هر طایفه و جماعتی بمقصود خود دست نیافتند مگر بدستبازی اتفاق و اتحاد چنانچه در آیه کریمه قرآن نیز بدین معنی اشارت میفرماید یعنی سر رشته اتفاق را بدست میدهد چه پیغمبر خود میفرماید در کارها با مؤمنین مشاورت فرما و پیداست این مشاورت نتیجه جز اتفاق کله و اتحاد آراء ندارد - پس روشن گردید که پیشرفت هر امر مهمی را اتفاق آراء لازم است

الذوس صد افوس که ما بچاره مسلمانان خواب غفلت در بوده و پیروی هوا و هوسان بر روی شاهد مقصود برده کشیده نکته را فراموش کرده ایم یا عمداً سهو فرموده ایم

چه تیره شود مرد را روزگار

هم آن کند کش نیاید بکار

چه افتاده که آن قوت و شوکتان بضعف و انکسار انجاسید و چه روی داده که آن بلند پروازیمان

بکوتاه دمشق کشیده - بخدا نیست مگر اختلافی کلمات و نشئت آراء در کنار دریا میسوزیم و بآب زندگان لب تشنه جان میسپاریم -

ای مسلمانان با غیرت آخر لحقی چشم بکشاید و اندکی گوش فرا دهید و قدسی تأمل و فکر نموده بدانید که امروز بر تمام فرق مسلمین از شیعه و سنی و غیرها فرض است که بارة اختلافات را بیک سوی نهند یعنی این اختلافات را بجا جدال و نزاع قرار ندهند و بحکم (الامم فالامم) همدست و همدستان کلمه توحید را در مقابل شرك سخت بزرگ نگاهدارند و شخص عزیز اسلام را ضرب و تنها نگذارند آنها که از وضع خارجه با خبرند میدانند که فرق مختلفه نصاری از پروتستانی و کاتولیک و ارتودکس و غیرهم و دول اروپا با آن همه اختلافات مذهبی و مشاجرات پوئیکی و سیاسی که در هر سالی هزارها نفس و کورورها مال بر سر این کار میگذرانند باز بای اسلام که در بین میآید تمام آن اختلافات را بجای خود نهاده متفقاً بر ما میبازند و کار خود میسازند مگر جنگ کریت که در چند سال پیش اتفاق افتاده از خاطرها رفته است که تمام دول فرنگ اتفاق کردند و خواهی نخواهی دست اسلام را بکوتاه و گروهی از مسلمین را هدف توب و تفنگ ساختند خانه ها آتش زدند لانه ها ویران نمودند - امروز که دو دوات بزرگ اسلام این نکته را یافته و رشته و داد و اتحاد را فباین مستحکم ساخته اند ما را چه وا داشته که به بارة از حرکات وحشیانه اینخام منبع را ضایع سازیم و بزرگان خود را از این مقصد مقدس مانع آئیم تا دشمنان ما نیز فرصتی بدست گیرند خود را بیمان اندازند و بنام ما نیرنگها بزنند - این هم از بدبختی ماست که با پادشاهی عادل و اسلام دوست و پیشوایانی دولت خواه و شاه پرست باز بچیرت اندریم و نیکانرا از بد فیضناسیم نبدانیم یا میدانیم و نمیکنیم - نمیدانیم چرا یاد نمیگیریم - میدانیم چرا بکار نمیگیریم - اگر بگوئیم میدانیم و مانع داریم دروغ گفته ایم - چه



معارف و شرفت هر ملت و مملکت بسته به همراهی پادشاه و رجال دولت و امانت ملت آن مملکت است. امروز بحمدالله پادشاه مان که خدایش طول عمر و نصرت دهد در اتفاق کله اسلام و اجرای قوانین اسلامیه و ترقیات مملکت پیش از همه کسی بلیغ و بذل جهد میفرماید. همچنین امانت دولت و ملت از هیچگونه همراهی و پشتوانی دریغ نفرموده اند. کدام اتفاق صحیح را برهم زدند یا کدام تشکیلات علمی و تجارتنی را ببال و جان و تأیید نفرمودند اگر الصاف دهم این پریشانیها را جز از آثار خود سری و بی مسالان خویشتن نمیتوانیم بدانیم

هر چه هست از قامت ناساز بی اندام ماست

اختلافی اقوالمان موجب نشنت احوال و زشتی کردارمان مؤید پریشانی روزگاریمان گردیده بچاره می‌لشینی و میگوئد. فرنگی ساعت میسازد - اختراع چراغ الکتریک و ماشین می‌کنند اورا چه داده اند که نو را نداده اند و او چه کرده است که تو نتوانی. ای پست هست بلند آواز مگر او این علم و صنعت را از بیدای عدم همراه آورده یا خداوندش بوحی و الهام در سینه او بودیت گذارده رنجی برده و کسلی بدست آورد. تو نیز چنان کن و چنین باش رنج بر و کنجی بدست آر هنر دیگرانرا سرمایه افتخار خود قرار میدی و مرقی دشمن بر دوست مباحات میکنی خاکان بر سر راستی عجب پست هست مردی بودیم که معایب دیگرانرا بجان و دل خریداریم و مکارم خود را اوزان بدانها میسپاریم و باز افتخار میکنیم

گبرم که طار جو به کند تن بشکل مار

کو زهر بهر دشمن و کو مهره بهر یار

پایس وقتیم زبان آموختیم تغییر بلسلم دادیم چه نیبجه بدست آوردیم و از اخصافرت کدام سود بردیم ایجا جایی تأسف و خلجنت و یاد آوردن از حال زانغ و کبک است. هنر من مسافرترا نتیجه علم آموزی و آموختن را حلسک شرف اندوزیست شرف نزد را

از علم میناید شناخت و شرافت علم را از نتایج آن باید استکشاف نمود چاهل را از حیوان و جناد چه امتیاز و عالم بی عمل را با - دل چه تفاوت خواهد بود. اگر ما امروز دارای علم و صنعت بودیم دوچار این همه پریشانی نمیشدیم و مملکت چندین هزار ساله خود را بدین ویرانی نمیدیدیم جهل کرور یا پیشتر میزدیم و هنوز يك شعبة از لوازم زندگانی خود را نتوانستیم ترتیب دهیم. وای بر ما اگر يك منجیل را آب ببرد یا کفتی تجارتنی مان يك هفته دم اتزلی یا ابوشهر وارد نشود. تمام کارهای ما معوق خواهد ماند و سر رشته زندگانی مان در هم و بر هم خواهد شد کدام ذلت بالا تر از آنستکه يك ملت بزرگ در تمام شعب زندگانی خود محتاج بغير باشند و بهیچ اندازه نتوانند دفع احتیاج خویش از غیر نمایند اینها همه از نتایج بی اتفاقی ماست که دوچار این همه ذلت و پریشانی گشته ایم چه بيك و ده و صد نفر نمیتوانیم خرابیها را اصلاح نمود و آب رفته را بجوی آورد هست میخواستیم و اتحاد بکار سواریم باشد که رفته رفته ما هم نامی بدست آریم و ملت خود را عزیز شماریم دین و دنیا با نرا محوکت و قیروزی فهمیم و ابناء وطن را از این ننگ رهائی بخشیم اللهم و فقنا لمرضاتك و عصمنا عن الزلل فی دیننا و دنائنا بحق احبائك

### داستان روسیا

### عطف با سبق

### استوار شدن پیمان همراهی در میان

### عثمانی و اسوج و جنگ اسوج با روسیه

در اسوج این روزگار آیین پیش که کارها هیچ بدستباری زادگان بایستی بگذرد بیکسو شده و پادشاه دارای نیرو گردیده بود و زادگان از این در اندوختن و آماده شورش بودند روسیه با آنکه بایست از برای سود خود یا پادشاه اسوج از در دوستی در آید فراموشی اورا دریافته و زیر پرده بیوسته به همراهی

زلفگان میکوشید تا آنان آواز شورشن نمایند و فرستاده  
 عثمانی اوزا پیوسته ییقه کمرای زادگان و وزیر افروختن  
 آتش شورش بود. و هر یک با این شیوه میخواستند  
 بر آن دیگری یینی و پشی گیرند و کارهای ناروای  
 امپراتوریچه در پیشگاه پادشاه اسوج سو جو آشکارا و  
 نمایان بود. و یکی از جزایان اسوج کاری ناشایست  
 نموده و چون از کرده خود شرمسار بود از زاد و  
 بوم خویش دست کشیده و روسیه گریخت او را اکثرینه  
 مهربان داشته و بدست یاری او شورش برانگیختن در  
 « قزلباشی » را پیش نهاد نمود

( قزلباشی ) کشوریست پهناور در سامان روسیه و  
 در زیر فرمان اسوج. در روزگار پتر بزرگ یک پارچه  
 اش را روسیه گزیده بود پارچه بزرگی که بجا مانده بود  
 در جنگی که پنج سال پیش در میان روس و اسوج رویداد  
 بجنگ روسیه پیوست و پادشاه اسوج از کردار روسیه  
 دلگیر و اندیشه ( خونخواهی - تلافی ) در ذرواش  
 جایگیر بود. و در آرزوی روزی بود که تواند خونخواهی  
 بردارد که گفتگوی جنگ عثمانی با روس در گرفت و  
 انگریز هم از برای آنکه اسوج را بجنگ روسیه دلیر  
 نماید به او پیمان زبانی نمود که در دریای بالٹیک با  
 کشتیهای جنگی از او یاری خواهد نمود. و پادشاه پروسیا  
 هم بگردن گرفت که به او زر بوام دهد و بدینگونه بر  
 دلیرتی او افزودند و پادشاه اسوج اندیشه خود را در  
 باره روسیه بدستیاری فرستاده خود که در اسلامبول  
 داشت بشمانیان یاد آوری نمود و خواهش کرد که با  
 از او یاری نمایند و پیمان نامه مذ این باره نگاشته آید  
 و پادشاه عثمانی چون از فیروزیهای گذشته ( پیروز باش )  
 پادشاه اسوج بیاد آورد و از برای آنکه دشمن خود  
 را سوز آن سامان گرفتار نماید این خواهش را پذیرفته  
 و از تزریکه بگردن گرفته بود بختی را پیشین داد. پس  
 پادشاه اسوج آواز به آمدگی داد بجنگ نمود از آنسو  
 فرستاده روسیه بپوش خستین خود مانند شرماتانغان  
 از بلخستان اسوج بزرگین نمود که بجزا بماند جنگ

میردازی. پادشاه اسوج پاسخ داد که هر پادشاه در  
 کاب خود آزادست و نباید روزنامه کارهای خود  
 را بدیگران بدهد و همین گونه آرزوی خود را پوشیده  
 داشت اما فرستاده روس از پاسخ او بر برد که از نیروییکه  
 در خود میسند در آرزوی آنکه سامان کشور خود  
 را با بر جا نماید. پس بنیام نمود در میان کشور بشور  
 انگیزی و میان زبردستان و پادشاه آتش کینه بر افروختن  
 بیایه در این باره تند رفت که پادشاه تاب کردار او را  
 نیسپورده و چون در دل آرزوی جنگ هم داشت  
 فرمان داد فرستاده روس بشکوه خود برگردد  
 اما او بهانههای گوناگون در رفتن کوتاهی مینمود. از  
 آنرو پادشاه اسوج با آزادی با گرمی هر چه پیشتر به  
 آمادگی نیروی دریایی و خشکی خود میکوشید و چون  
 آیین اسوج آن بود که بی دستوری انجمن کنکاش که او  
 را رتبه مینامند پادشاه نمی توانست با دیگر بجنگ آغازد  
 و همان روزها در اندیشه فرستادن سپاه بسامان کشور  
 بود پس در میان مردم این سخن را پراکنده نمود که  
 روسیه در جنگ با عثمانی همدستی اسوج را خواهانست  
 و اگر اسوج با او همراهی نماید لشکر بر سر او  
 خواهد فرستاد و بر کشور اسوج تاخت خواهد آورد  
 این سخن در میان مردم اسوج پهن شد سپاهی که  
 آماده بود بسامان کشور فرستاده شد پس از رسیدن  
 بسامان در میان برخی از سالدتهای روس و سربازهای  
 اسوج زد و خورد رویداد. از هر دو سو بنیاد تیراندازی  
 شد و بسیاری تپاه گردیدند. پادشاه اسوج سر رشته جنگ  
 را بچنگ آورده و گفت روسیه بر ما تاخت آورد اما  
 روسیان هنوز اینسخن را بگردن نمیگیرند و میگویند  
 پادشاه اسوج برخی از سربازان خود را جامه سالدات  
 پوشانیده و بساختگی این جنگ را برانگیختن بهر گونه  
 بود جنگ اسوج با روس در گرفت و در نخستین  
 بار دو کشتی فرقیین روسیه که از برای ( ورزش - تعلیم )  
 در دریای بالٹیک در کشت و گذار بود گرفتار اسویجیان  
 شد. با همه اینها پادشاه اسوج بدستیاری فرستاده خود

مکتوب بیخضانه

( از شماره ۲۶ )

فرا در این صورت همسایگان در نواب یا از جان القاده تصور نموده بر ما خواهند تاخت و چون حاضر نیستیم از عهده دفاع نیز نخواهیم برآمد - ما ایرانیان علاوه بر اینکه حاضر حمله و دفاع نیستیم و دست از کوشش و توسعه دایره خود کشیده ایم - سلامت خود را در این میدانیم که کوشش کرده همسایگان حریص را بیک میزان از خودمان راضی داشته باشیم -

وقتی بخاطر هارم بایکی از عتلاهای کامل ایران در این خصوصیات گفتگویی کردم - فرمود طوری سر رشته از دست رفته که هر شعبه و هر رشته کار نگاه میکنیم این قدر خرابیها دارد که اصلاح آنها محال است مگر ایرانی از نو ساخته شود و این مخلوق را طبیعت ثانوی خداوند عطا فرماید - زیرا چنانکه کارها خراب است همان طور طبیعت آحاد مردم نیز خراب و محتاج تربیت هستیم و بیداریم بکدام اصلاح پردازیم در حیرت مانده و مأیوس میباشیم -

عرض کردم - مأیوس و ناامیدی کار حوائرمان نیست و اعتقاد این است اینکه میگویید طالب اصلاحیم فقط لفظی است که بزبان جاری می شود هنوز این افظها بر دلهای ما اثر نکرده و اگر این کلام بردلهای ما اثر کند و راست بگوئیم نامی این تعمیرات و اصلاحات بسهولت از قوه بفعل تواند آمد و علامت راست گفتن ما این است که بکلی اغراض شخصی خود را کنار گذاشته اشتیاق و آرزوی ما فقط اصلاح آورد و ادای وظیفه جاری باشد - یعنی هرگز بخيال ما خطور نکند که من بفلان مقام برسم یا فلان فایده و فلان اشهار و فلان ترقی برای من حاصل شود بلکه بجای برای من باید بگوئیم برای دولت متبوعه من -

فرمود مطلب همین است البته اگر راست بگوئیم تعمیر و اصلاح حاصل خواهد شد - اما راست گفتن فرع خدا شناسی است و بدبختانه نه اینکه فقط راست

نمیکوئیم بلکه وجود همه چیز را در دنیا معتقدیم مگر وجود صالح حقیقی را که بکلی منکریم - قدوسی ازین حرجی مشمئز شدم - فرمود مشمئز نشوید - من دلیل دلوم - پرسیدم چه دلیل - فرمود لگر ما فقط مرگ را یقین داشته باشیم البته مسأله پیش میگیریم که مناسب هم روز مرگ و شب اول قبر ما داشته باشد تا چه رسد باینکه هستی خدای را هم معترف شده باشیم - طوری این دلیل بر من اثر کرد که هر وقت بخاطر مرگ میرسد بدنم میلرزد -

باری حالا که نواقص مملکتی و ملق خود را که محتاج تعمیر آن هستیم بکلی بکلی بمدنظر آورده و مشاهده نمودیم چه قدر وظایف حتمیه بزرگ بر ذمه داریم - حمیت اسلامیست و غیرت شاه برستی ما را آسوده نخواهد گذاشت و خواهد داشت بر اینکه به پنم جاره کار کدام است و تکلیف چیست و جدان سالم ما جواب خواهد داد تکلیف صدق همت - جاره صدق همت - باید مردانگی کرد و همگی متفقاً و متحداً اغراض و مصالح شخصی را بکلی از خود کنار کرده متحدالقول و یک دل و یکجهت پای همت و صداقت صمیمی بیدان شاه برستی گذاشت - اگر در این همت و قنوت خود بصمیم قلب صادق هستیم و ثبات قدم و رأی راسخ داریم

اول بیابید بدون استئنا کلام الله بچنان گذاشته قسم بخوریم که بیادشاه خود خیانت نکنیم و بشریعت اسلامیست خیانت نکنیم و بکنفر را بدون هیچ قسمی بخدمت دولت قبول نکنیم - اگر چه بکنفر سرباز باشد - بعد از اینکه صمیم قلب چنین قسمی خوردیم هر کدام بجد وافی و سعی کافی مشغول اجرای وظیفه خود باشیم یعنی خداوند قهار را که خالق ما و مؤید پادشاه ما و مقنن قانون شریعت ماست حاضر و ناظر و تکمیل بان باطن و ظاهر خود دانسته طوری از ته دل بدای وظیفه پردازیم که خدای سمیع و بصیر و قهار تنبی و خیانت و کج خیالی و اغراض شخصی در وجود ما نگذارد - و اگر آیات قرآنی را انجمنه بگردانیم

در يك ورق سکاغذ بخط جلی بنویسیم ( ان ربك  
 بالمرصاد ) بتحقیق سکه خدای تو هر آینه در کین  
 هست - و هر يك از جاگران يك نسخه از آن بچهار  
 چوبه و جام گرفته در تمام تالارهای ادارات و اطامی  
 شخصی حتی در خوابگاه خود بگذاریم سکه همیشه  
 و در همه جا مد نظر بوده در همه حال خداوند قادر  
 قهار را در کین خودمان دیده بخلوص نیت و صفای  
 طویت یکدل و يك جبهه و بکرتک داد پادشاه  
 برستی بدهیم - داد خدا شناسی بدهیم - داد مسلمانان بدهیم  
 حالا که صدق نیت و همت و فتوت باصلاح و  
 تدبیر اقدام می‌کنیم و تائید از خداوند می‌خواهیم  
 يك چیز دیگر هم بر ما لازم است تا خود را از سهو و خطا  
 بگرداریم - و آن این است که بی زحمت قدری شکسته  
 نفسی کنیم یعنی خودمان را عاقل تر و بصیر تر و داناتر  
 از خداوند جل و علا بدانیم و در کارهای دواقی و  
 ملای بمنافی حکم خدا رأی ندهیم - و اقتضای عصر را  
 دلیل تخلف از حکم خدا نگرییم - زیرا که خالق ما و  
 خالق عصر ما خداوند حکیم علی الاطلاق است - البته خالق  
 بهتر میدانند در کون مخلوق خود چه گذاشته و اقتضای  
 آن چه خواهد بود و قانونی که برای ما تأسیس فرموده  
 همه قسم حکمتها را در آن قانون مراعات نموده است  
 و هرگز نباید تصور کرد که خداوند از ارائه طریق  
 بمخلوق خود کوتاهی فرموده یا يك حکمت لازمی را  
 فراموش و ترك کرده باشد این شبهه موهوم ظلم خداوند  
 بر مخلوق خواهد بود - نمود بالله

پس باید یقین قوی بلطف و تائید خداوندی که عالم  
 و رحیم و حکیم است داشته بقوت قلب اقدام باطاعت  
 کنیم و تصور تخلف بر خود راه ندهیم تا چنانکه  
 همه‌های گرسنه و برهنه بقوت اتحاد صمیمی و یقین کامل  
 از حجاز رفته اسپانیول را گرفتند و بخارا را بای تخت  
 کردند در اندک زمانی باوج عزت و شوکت رسیده  
 جهان را بتصرف آوردیم - البته هر وزیرى بر حسب  
 حکم قاهرانه خداوندی ( فاستم كما امرت ) پیغمبر

ما صلواته علیه و آله میفرموده این آیه وافی خدایه مرا  
 سیر کرد - بدرستی تمام مباشر وظیفه خود خواهیم  
 بود - و خلاصه را بعرض آستان اعلیحضرت ظل الآسی  
 خواهیم رسانید - و برای امور مهمه نیز بحکم خدای که  
 فرموده است ( و شاورهم فی الامر ) لازم است مجلس  
 شورائی ترتیب بدهیم راجع هر مطلبی سکه امروز در  
 دارالشورا مذاکره خواهند کرد باید اهل خبره و از  
 عقلای آن در مجلس حاضر کنیم و بکنفر فقیه مذهب  
 و مقدس که مصدق علای اعلام باشد از اعضای شورا  
 قرار دهیم - تا هر مطلبی که مذکره میکنیم طرق شرعی  
 آنرا بیان کند که آراء اهل مجلس خارج از قانون احدی  
 نباشد و منافی طبیعت و اعتقاد اهالی ملت اسلام نبود  
 و اسباب نفرت ملت نشود - بلکه اسباب جوشش  
 دولت و ملت در اختلاف گردد و هرچه اتفاق آراء  
 حاصل شد بعرض آستان پادشاهی رسانیده اجرای  
 آنرا منوط بحکم پادشاه بدانیم - و اینکه از هر کس  
 می‌شویم که احیاء مملکت بسته بقانون است مطالب بسیار  
 صحیحی است اگر سایر دول باقتضای عقول خود  
 قانونی ترتیب داده و بتدریج نواقص آنرا ملغف شده  
 جرح و تعدیل و تغییر و تبدیل میکنند ما قانون الهیه  
 داریم که شایسته ریاد و قسسان در آن احتمال نمبرود  
 و آنچه حکمت بالله اش برای جهانگیری این ملت  
 لازم دیده مقرر داشته است - ولی ما ما متروک  
 گذاشته‌ایم - و لازم است علی‌الرسم قانونی بر طبق احکام  
 و نواهی سیاسات الهیه ترتیب بدهیم که هم قانون مذهبی  
 باشد هم قانون دواقی - و برخلاف حکم خدای هم تأسیس  
 باطلی نکرده باشیم تا جریان امور بروفق همان قانون  
 دواقی بروفق احکام الهی بوده باشد - و تمامی نواقص  
 و مناسد ظاهری و لطفی دولت و ملت ما در اندک زمانی  
 بتأییدات خداوندی باصلاح آید و شوکت و قدرت  
 فوق العاده مطلوبه حاصل گردد بمنه و حسن تأییداته  
 بر خاطر مبارک روشن است آنچه عرض شد  
 خیلی باختصار فقط برای شروع بکار است و این کار



در این صورت هم باید که در هر یک از اینها  
 شخاص کافی و کاملاً مطلع در این مملکت  
 نابرا دارند لازم شد که در اینها را  
 مدارسه عالی مدیترانه که در اینها  
 است و در اینها که در اینها که در اینها  
 مدیترانه عالی که در اینها که در اینها  
 مکتب عالی که در اینها که در اینها  
 تحصیل علم و در اینها که در اینها که در اینها  
 عالی که در اینها که در اینها که در اینها  
 مدارسه عالی که در اینها که در اینها که در اینها  
 داره که در اینها که در اینها که در اینها  
 شعبات در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 کاربرد که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 دی که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 و در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 هر که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 ایران که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 را که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 وجه که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 دهم که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 و تمام که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 دست خود که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 مات و صاحب که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 ملی که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 سید عماد که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 نموده که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 و از دست که در اینها که در اینها که در اینها که در اینها  
 و بدین اقتضای در بای تخت دوات اسلام رؤسای  
 روحانی ما را مسخره نباید - خاک بر سر ما با این دین  
 داری و خداشناسیان

پس از کارهای خیلی عمده لازم که باید پیش  
 بیندازیم و در آن خصوص بیشتر اهتمام کنیم یکی انتظام

عمل لشکری و توتیای لازم است که اهل مملکت  
 بتدریج تماماً زیر سلاح آمده - شق کنند که اقلاب مبنی  
 نفوس مشق آموخته در مملکت داشته باشیم که در وقت  
 لزوم بکار آیند - اگر همیشه سیصد هزار قشون زیر  
 سلاح داشته باشیم برای ما کافی است شرط اینکه تمامی  
 افراد ملت بتدریج آماده و مشق کرده بتوانند ذخیره  
 وقت لزوم باشند - ولی مهیات اسلحه و ذخیره برای  
 چند ایون باید تهیه کرد و همیشه حاضر داشته باشیم -  
 و دره مسلم است با سیصد هزار قشون جواب هیچ دشمنی  
 را نمی توان داد و غلبت اصلاحات داخلی و خارجی ما  
 منوط بانظام و تهیه اداره لشکر است - یکی هم عمل  
 افزودن دخل دولت است و الا این طایعات که مساوی  
 مالیات محوطه صوبه تقلیس است کارهای دولت را  
 عینوان از عهده برآید - این هم طرق سهل و آسان  
 دارد که تولید رحمت نکند و مملکت و رعیت آباد و  
 منقول شده دوام بیشتر فائده به برد -  
 ناری اینها که عرض شد همه رؤس مطالب است و  
 هر کجا هر ایرادی بشود جوابش در این و حیزه بطور  
 اجال یا تصریح یا کنایه و انعام مندرج است - هرگاه پسند  
 خاطر مبارک شده تفصیل هر اجالی را که فرر مفرمانند  
 باطاعت و امتثال عیدانه جسارت خواهد شد - وقتی  
 بندگان اعلی حضرت قدر قدرت هابون شاهنشاه  
 میروند - میخواهم در ایام سلطنت خود کاری نکنیم  
 که زنده جاوید بوده از اولین سلاطین عادل روزگار  
 بشمار آیم - این فرمایش الهام نمایش ملوکانه در ولوب  
 تمام جان نثاران آستان مبارک اثر خاص بخشیده همه را در  
 مقام جان فغانی محک و مؤید بادشاه پرستی کرده - خادم  
 بندگان حضرت عالی را که از جان و دل استقبال فرمودید  
 این جاگر نیز در مقام جان نثاری بعرض این و حیزه  
 جبارت نمود که مطالب در مدنظر باشد - بطوریکه آرزوی  
 صمیمی جناب عالی در فقرات معروضه بذل همت فرموده  
 داد بادشاه پرستی بدهید و ایران و ایرانیان را بتوفیقات  
 خداوندی از ظلمت خطرات محتمله برهانید و بندگان

اعلیحضرت قدر قدرت اقدس مایونی شاهنشاه تاجدار  
ولی نعمت اعظم را باین مقصود مقدس ملوکانه شان  
برسانید و (من الله التوفیق و عایه التکلان)

﴿ مکروب یکی از دانایان ﴾

مؤیدالاسلاما ایدالله تعالی - شماره ۱۳ از سال

۱۱ رسید

(گفتی بحسب مرده دلان تازه جان رسید)

نعمت یزدانی خوانم رواست - و رحمت آسمانی دانم  
بجاست - مؤید به تأییدات سمرمدی و موفق به توفیقات  
ابدی باشید - در صحنه پنجم ستون دوم مکتوبی به و ان  
( اثر خامة یکی از دانشمندان ) دیدم سپید مانند از جا  
جسته و سحاب وار خریدم و مکرر نامه نامی را  
بوسیدم - کثرت بهجت و نشاط و شدت مسرت و  
ابسط راه مجال بهر حال بست و دل از آلهاب شوق  
خواندن بزحمت اشست و مانع از مطالعه و راز مکاشفه  
شد - خیره و نگران لرزان و هراسان و از وحدت یای  
کویان شدم - که این دانشمند یگانه و خردمند فرزانه  
از خامه زیبا آینه چه نگاشته - و در مزاج تمدن و  
انسانی چه تخم مروت و مردمی کاشته بواسطه آنکه  
مهرمن و از روز روشن تر است قلم مدیر حبل المتین  
بی آزماتش دانشمند نه نگارنده الهامات غیبی است  
طلای غنث دار را رسوا مینماید - اطلاق دانشمند  
کردن و هر کسی را خردمند گفتن لابد در عنوان  
مطلوبی و در آثار کاک نگارنده الهامات غیبی است  
و بیاناتش آیات لاریبی محی قلوب و مزیل کروب است  
مشیار کننده مات و رسوا کننده خائنان دولت است  
پس از باره قرائت آه حسرت اردل بر آورده گفتم

گر این است دانش و در این است بنش

تو با چشم دیگر بهر حال بنش

آیا در این زمان قبایح اعمال و فضایح افعال که  
ناشی از جهالت و خود پسندی و غنات و بجزدی  
هیئت جامعه بزرگاست و جمله در هر زبان نامم دولت  
ایران خوانده میشود چیزی باختلاف و اشتباه در

برده اختتام مستتر مانده است ! یا قبل از آنکه در شان  
دولت و مات بخاک خارجه فرار نمایند فضیحت کردارشان  
منتشر و علاوه در هر هر مگذر بود و یک یک قننها  
و خرابی ایشان نقل هر ممرکه و نا بگر چه در هر نوم  
و بر نشده

صاحب مکتوب رفع شبهه یا برخه نماید و خفته  
اطفاء حرارت ذاتی آبی به بدشان و دام پانگی نگهیزان -  
مقصود نشان دادن محاسن ارف وجه استراضی نیست  
بجز سه چهار نفر سدا و رسا دول و ملت همه  
از این استقراض ناراضد

اگر صاحب مکتوب یا وجود خود از حق کتمان  
نکند خواهد دانست که بحق سخن نگه و عملی که  
همچون برگس شهلائی رسیده است خواسته از حد و  
زیاید چون بیاز تو در بوزده رده و او پوشیدار ره  
سلطت ایران در صرف بجهت سال با آنچه شرح و  
معارف حرم خانه رج در بزرنگستان و کم دخلی  
محتاج فرس آمد و اب را دوچار این بار گران نکرد  
چه رویداد که حیات پاشه گان در مدت قلیل با  
تحقیقات معارف حرمخانهها سلطنتی و فزونی کرب و  
اداره بست عمل زده تذکرات ه تعیین حقوق به بالغ  
بر بست و بیج کرور است دولت را محبور با اندراض  
نمود و با آنچه شرایط خانه برانداز مات تا چه مدت  
میتواند از بر این بار گران در آید - دانایان

مندوب حسادت و فداحت (دژی) هم از اوقات  
نمل با اسانه حائنین بود که شرف دولت و اعتبار  
مات را در میان دول فرنگ بقدر آمدند و بر شرف  
وحشیگری نوع ایرانی عموماً و اولیای دولت خصوصاً  
افزودند - حاصلی بجز مشیار کردن رقبا در جهالت  
و خیانت زورگان نه بخشود

فلان که یک از ادوات و ریایه عثمانی بود کی  
مراتب حاشی افزود و او را مقرب خاص الحاشی  
فرمود - که واسطه استراض شود و خدمتی از بی کفایتان  
کند - که باعث شد که وزرای دربار پاریس و وینه

مأیوس شدند - که سبب شد که قرض را فرانسها ندهند و در ادای این قرض قابل معاذیر تجدید مثل ضمانت همسایه و غیره آوردند - افسوس امام زادگرا که باهم ساخته ایم کم کم میگویند بیاتورا قسم بدهیم - بخدای لایزال و کریم کار ذوالجلال اگر مدیر روشن ضمیر حیل المین با آنکه به تمامی امور واقف است اطمینان دهد که آنچه نویسم درج کند یگان یگان خیانتها که شده بشمارم و ذره در برده نگذارم - اگر چه بیش نفس خود و ملت و دولت شرمسارم - همان نویسندگان چه شد به نگارشات کاذبه رضا دادید و اغراض شخصی را به رضایت خالق و مخلوق رجحان - هر چه خواستید نوشتید بگوئید بدانم مانع قرض دادن فرانسها و راهنهای همسایها که گردید - و پرده خیانت و رشوه را که درید

نخستین روسها را که اغوا کردند که از فرانسها خواهش کنند که ضمانت این قرض بدهد روس باشد و یگان یگان شرایط دیگر را که بنظر شان جلوه داد اگر چه تسلیم داریم که خود بصیر و دانا بکار بودند - اما تفاوت بسیار داشت - محض جاب نفع ذاتی و مقام شخصی راپورت داده شریک دزد رفیق قافله شدند و قرار قرض بطلا بود نه نقره از آن مقاصد خائشانه دولت علیه را نقصان زده مبالغی ازین عمر بردند این منافع و طابقی را بغیر از مؤسسه بین قرض سکه برد افسوس که در این میان قانون مجازات مرتب و فتنش در کار نبود قبل از آنکه سکه بقرانی را در بطرس بورغ بزنند پول ایران بشدت قدغن بود که در خاک روسیه نرود و چه قدر پول مردم را در گمرکخانهها گرفتند و خوردند غیر از اینکه جریمه هم تعلق بر او داشت پس از آنکه پنج قرانی را خود سکه زدند و بردند ایران حکم شکست و قدغن برداشته شد تا هر کس هر قدر پول بخواهد بیاورد و ببرد مانع نشوند جهة این بود که این سکه مال خودشان بود نقره هم قیمتش معلوم متصل سکه میزنند و حمل میکنند بخاک ایران علاوه بر آنکه ناموس و شرف دولت را بجهة سکه زدن در

خاک غیر به باد دادند لژشایح همین خیانتها دل خلق را کباب و طالی را خراب و دریاهای را سراب ساختند دیگر چه نکرده و چه خاک مذلت بر سر مات نباشیده اند که باز در حمایت آنها قلم فرسائی می کنند - باسم (خواهش دوستانه) آنچه همسایگان خواسته تسلیم کردند چه باقی ماند که در آینده علاج شود و اقدام وزیر سرایا تدبیر میتواند در ظرف ده سال از عهده اصلاح یکی ازین مفلسد بر آید در خیانت و خود غرضی تغافل نکردند و بجهة نفع شخصی ملاحظه از دولت نشد همه چیز را باسم (خواهش دوستانه) نثر دادند و بخرج آوردند

قدری بنظر دقت و انصاف ملاحظه شود در ظرف چند سال چه قدر مستملکات ما را جز - متصرفات دیگران کردند بدون آنکه سفک دماء و اتلاف نفوس شود ملک و مات را مضطعل کردند کبسیون و قشون همسایه را در (گنبد قابوس و قاین) جا دادند و بجهة تابستان آنها بیلاق (در رامیان قید رسک که در ایالت استراباد است) قرار دادند اینها همه بواسطه رشوه و باسم خواهش دوستانه بود قرنطینه در سرحد سیستان و افغانستان که ابدا دخل به همسایه ندارد از جانب همسایه که باعث شد برقرار شود منزل جناب علاءالدوله و شرایط دیگر بواسطه رشوه و هم خواهش دوستانه بود اقدام نکردن به ساختن راه آهن و تجدید امتداز نانوی بواسطه رشوه و خواهش دوستانه بود (فیروزه) (قاری قلعه) (کرمان قلقله) (نصف خاک درکر) (نصف خاک قوچان) (نصف خاک سرخس) ابار و آب کلات بقیه و - و - و - و - و - و - و - بواسطه رشوه و خواهش دوستانه رفت امان امان ازین لقمه نحس نجس و فریاد از استبداد و اعتساف و خود غرضی از تجاوز و اجحاف و ملاحظات مبشومه حال ابناء ناخلف وطن عنان اختیار مطلب و سخن را از دست داده بیش ازین حالت نماید بقیه مکتوب (انراخامه دانفمند) با جواب آن را به مدیر روزنامه مقدس حوالت مینمایم (ع - ح)

**خبریه تکرانات**  
 ( ۲۸ مارچ - ۱۰ محرم الحرام )  
 § (ارل برسی) در دارالشورای ملی انگلستان اظهار داشت که قونسل انگلیس در ( پیوچوانک ) خواهش نموده که افسران روس کشتی جنگی او را در پناه خود نگاهدارند ولی افسران روس این سخن را قابل اعتنا و اعتبار ندانند.  
 ( ۲۹ مارچ - ۱۱ محرم الحرام )  
 § در بای تحت کوریا ( سیول ) افواه است که سوم شهر حال بین قشون ژاپون و قزاقهای روس میان ( انجو و جانگجو ) جنگی واقع شده و اوبویها فتح حاصل کرده قشون روس آهسته آهسته آن نواح را حالی میبایند درین جنگ پناه نگر از ژاپویها قتل رسیده معلوم نیست از سوارهای روس چه قدر کشته شده اند.  
 § بنیشکران روس شهرت دارد که دیگر ژاپویها را موقع آن بدست نخواهد آمد که در رودخانه ( نوم ) بجات ( عارن ) حرکت نماید چه تمام شرق اورا و سواحل آن نواح را قشون روس احاطه نموده و چون زمستان بگذرد و برفهای دریا بشکند دست از کشتیهای جنگی روس از ولادی و دلتک برای حفظ معاملات مذکوره فرستاده خواهد شد.  
 § خبر راه آبن ( سیکال ) که چند ماه دیگر تکمیل شود روسیان را پیشرو و افروخته ساخته است.  
 § در دارالشورای ملی انگلستان در ضمن بحث در مسئله تعطیل ( ایستر ) که در ماه اپریل میشود ( سرمنشی کابل برسی ) مسائل بلژیکی چند را پیش نموده علانیه اظهار داشته است که چرا باید ( مستر بانور ) در اعظم انگلیس این عهده جلیل استعفا گوید چه پیش از این در خدمت دولت پدر چنانکه باید و نباید کوشان و بیایمی و جامه نمیدانند - مستر بانور در جواب اظهار داشت که درین باب همه چیز گمانی وارد است بر دولت و این عهده را باید که اموری دیگر را بپذیرد و داده چون عسکران روس را بگریزاند و انجام آن را بپذیرد.

§ (مستر لانتن) در دارالشورای ملی انگلستان اظهار داشت که او صلاح نمی بیند با اینکه در آفریقای جنوبی مرض طاعون سرایت کرده و قوت گرفته است از دوران حبی احاط شوند.  
 § مستر لطفور در دارالشورای ملی انگلستان بیان نمود که بنسبیت ایام تعطیل ادارات دولتی که تا نوازدهم شهر حال است ممکن نیست که در تصدیق جمع و خرج بودجه قبل از تاریخ یوردهم اقدام شود.  
 ( ۳۰ مارچ - ۱۲ محرم الحرام )  
 § اسپهسالار روس در اقصای شرق (جنرال کروبانکن) خبر میدهد که در ( جانگجو ) بین قزاقهای روس و قشون ژاپون جنگی واقع شده هرگاه بدد لشکران ژاپون برسیده بود همه هلاک می شدند ولی بعد از رسیدن کمک آنها یک و نیم ساعت فراقهای روس نامتوای انحلال و شجاعت در جنگ بای سرد عاقبت محروماً قشون مانع نشست ژاپویها درین جنگ قدری لغت شده که نتوانستند مقدمات را که قشون روسیه بخواهد نموده متصرف شوند سه روز و دو باره سپاهی روس محروح و سه هزار قزاق نیز کشته شده است.  
 § امیرالبحر ژاپون ( توگو ) خبر میدهد که مساعی قشون ژاپونی در انسداد طریق بحری بندر آرتر که یوم یکشنبه شد خیلی دلیرانه و جوان مردانه بود که با ناراز گاوله دشمن بدون هراس و بیم اقدام کردند تا این همه بهر است که تاکنون طریق بحری بندر آرتر مسدود نشده و سپرده سپاهی و افسر درین جنگ بقتل رسیدند راپورت امیرالبحر ( توگو ) را وزیر بحری در دارالشوری قرائت کرده اظهار داشت که انسداد طریق بحری بندر آرتر کاری است بسیار صعب و دشوار میسر خواهد شد.  
 § در ماده جنگ (جانگجو) ژاپونیا میگویند که ششصد نفر قزاقهای روس قطعه محکم و مهم مستحکم و جنگ آورده بودند - سباهیان ژاپون را آنها حمله از جای گرفته تا همه زنده ماند (میگادو)



ودوازده شهر از سیاهان ژاپون درین میدان قتل رسیدند  
 § امیرالبحر ژاپون (توسکو) من باب اسداد  
 طریق بحری بندر (آرتور) چین غیر میدهد صکه  
 چهار کشتی شبیه کشتیهای نجارتی ملو از سگ و  
 اشیاء دیگر تحت حکم همان امریکه بیست و چهارم  
 شهر حال بز بدین خدمت منتصب شده بود روانه گردید  
 بعد از عرق شدن کشتیها تمام عمرات کشتی رهائی یافتند  
 (لغت پیروس) در آن جنگ حکم از بود حبیبکه  
 در کار فرار بود گلوله بدو رسیده عرق گردید

§ دولت روس بواسطه سیر فراسه که امور سیاسی  
 روس بز در (توکیو) در نام جنگ محول ناوست دعوی  
 پیش نموده که در (شانشانو) در چین حمله چهارم  
 قشون ژاپون ایستگاه قرطیبه سدر آرتور را حراب کرده  
 و این امر مخالف با عهدنامه (مک) میباشد و بر خارج  
 ژاپون در جواب این اعتراض اظهار داشته که چین  
 حری بدو رسیده و صماً رد کرده است که این مسئله  
 خارج از اختیارات مجلس صاج عمومی است

§ اعلیحضرت پادشاه و ماکه انگلستان در (کوپن  
 هیک) وارد شدند

(۲۱ مارچ - ۱۳ محرم الحرام)

§ در شنگائی خبر رسیده که اعلیحضرت میکادو با  
 اصصای اداره مخصوصه خود شان عمری بجانب  
 (توریا) رهسپار خواهند گردید

§ در دارالشورای فرانس مباحثه ریادی من باب  
 خزان قوه بحری سده جاسم در تلگراف پنزدهم  
 اشاره طان شده بود طاعت فرار بر این یافت که تدارک  
 نامه دیپلومه قوای بحری فرانس بشود

§ در کاهرسبکه در (گروگره راب) از دراع  
 افریقای جنوبی شده بود (جنرال لیری) سردار بوز  
 ضمن نطق اظهار داشت که ارس و سد ما باید برعلیان  
 بهایم صکه از اراده حوخواهی باز آمده و موقع  
 آن است که مسلک صلح خواهی را از دست ندهیم  
 (جنرال بوسا) در نطق خود اظهار داشت که ما

تحتیاجات حکومت سیاه را بقطع و منقاد بوده ایم  
 باید حکومت تازه را نیز خبر خواهان فرغان برداریم  
 § سرداران روسیه فرستادن سیورسات برای قشون  
 اقصای شرق را ضرورت ندیده میگویند بقدر کفایت  
 در مسجوریا بدست می آید

§ عدم نمود قانون ژاپون در (کوری) مورت خلل  
 امنیت شده خصوصاً در شهرهایی که تا کنون خرج از  
 اقتدارنامه ژاپون است ارس رو اهالی خیلی درهراس اند  
 (اول اپریل - ۱۴ محرم الحرام)

§ سفیر چین در پترزبرگ اظهار داشته که دولت  
 متبوعه وی از آماز جنگ بیطرفی اختیار کرده و تا  
 یاقب بی طرف خواهد ماند مگر وقتی که یکی اردوالتن  
 متنازعین تجاوز محفوق مملکتی چین نمایند

§ اخبارات پاریس میگویند لشکرمان ژاپونی بلون (چادر)  
 جنگی روس و سامان آن را در (جانکجو) گرفته اند

§ ممبر (روز) از (توکیو) خبر میدهد که دسته از  
 مهران جنگی ژاپون امروز بر کشتی سوار شده بمقام  
 غیر معلومی حرکت کرده اند

§ ممبر (روز) خبر میدهد که پس از آنکه قشون  
 ژاپون روسها را از (جانکجو) بیرون کردند یوم بعد  
 روانه بجانب (نانگی) شده در آنجا با لشکرمان  
 روس در آویخته جنگ معلوبه شده روسها را بجانب  
 شمال گریزانده به (تیمسان) عودت نمودند

(۲ اپریل - ۱۵ محرم الحرام)

§ دورنامه طارنگ بست تلگرافی از (توکیو) یافته  
 که مجدداً ژاپونیا بتاریخ سی و یکم مارچ بر بندر آرتور  
 حمله نموده در تداویریکه مباب سد طریق بحری تاکنون  
 بکار برده مدافه کرده خویشی را کام روا یافته اند

§ تلگرافی از (سیول) رسیده که سواران روسیه با  
 حال فلا صکت در (ونجو) عودت کرده از عدم  
 یادوقه خود و اسبابشان را قوت حرکت نمانده

§ مابنده دولت امریکه (جنرال لین) خبر داده که  
 روسها مراکز جنگی عمده را از کشتن فاذه ازین روی

معمول بود. عمل آمد اعم بر اینکه تعریبه داری در  
شیعیان کلکته بسیار شده بود. ان سنت و جماعت ما  
نیز در این عمل خیر با شیعیان خدی شریک و محالس  
عدیده منعقد داشتند شرح نگارش جمله محاله یک در این  
ده روز شده دشوار است لهذا بموجب دیدن دیرین  
نگارش محالس معروف اکتفا می مانیم

در حسنیة عالی مرحوم کر بلائی محمد خان - ابان  
آقا زین العابدین خان - و حاجی علی محمد خان - و  
حاجی محمد حسن خان متولیان و فرزندانی آن مرحوم  
علی الرسم هر سال زده اول محرم را عزاداری متصل  
نمودند و روز هشتم و عاشورا نیز ناکال اهتمام و آراستگی  
علم بیرون آورده در شهر گردانده اطعام غربا به  
نظور خصوصی میشد

جناب آقا میرزا کاظم مشکی نیز ده شب را روضه  
خوانی کرده روز هفتم و یوم عاشورا ناکال انتظام  
و رونق علم میرزا مهدی مشکی که والد مرحوم شاز  
بود بیرون آورده گردانیدند

آقا محمد صادق و آقا محمد باقر تاج از اصحابی که  
در حسنیة مرحوم حاجی محمد حسن و والدشان هر  
عصر محالس عزاداری را دیدار با شکوه مینمودند  
آقا میرزا احمد صاحب تاجر حراتی داماد مرحوم  
حاجی کر بلائی محمد خان هر روز علی الصبح در حسنیة  
مزبوره روضه خوانی بیاری بر شکوه نمود

آقا محمد حسین کاشانی از صاحب بواب کامکار اصل  
آکریم انجم هر هائیس بواب سادر مرشد آباد مدینه در  
حسنیة (گول کوتی) ده شب روضه خوانی بشکوه  
نموده روزها نیز اطعام فقرا و مساکین میشد

در حسنیة مرحوم ملا عبدالله شهباز عزاداری  
زنان و هر صبح روضه خوانی مردانه می نمودند آقا  
زین العابدین فرزند ارشد مرحوم آقا محمد علی تاجر  
شیرازی المعروف بیچنا وی تصدی محالس صبح حسنیة  
ملا عبدالله بود و اطعام فقرا نیز بنوع شایسته میشد  
در خانه مرحوم حاجی سید صادق صاحب تاجر

بسیار برای بشارت ژاپون نمودار نیست روسها توجهشان  
بر این است که تمام قوای خویش را در سواحل رودخانه  
(یلو) آماده جنگ نمایند

### خبر اخبارات خارجه

§ از بندر سید خبر رسیده که کشتی قراول روس  
بر یکی از کشتیهای ایتالی که از آن طرف عبور می نمود  
تشلک کرده سپس عذر خواهی نمود و بز همین حرکت  
وا نسبت بکشتی (باروچی) کرده است

§ (دیوک آف کمبرج) مبتلای مرض سحت  
و ابن جهان فانی را وداع نمود

§ (بیگم هویال) از مکه مراجعت نموده و بحجاب  
حدوستان حرکت وارد بمبئی شد

§ اعلانی اشاعت ناقه که امیر البحر (اسادک) که  
حکمران جهازات دریای (پاسفک) است سات عدم  
سازش آب و هوا از آنجا حرکت نمود

§ خبری امروز مدارالشورای ایسالی رسیده که  
قوسل جنرل عدن یک هر از اهالی سوماتی را گرفته  
قتل رسانیده و سی نفر قیدیان را بدون مدارک و تحقیق  
حرم مقتول ساخته هیجان ضربی در اهالی اداخته است  
§ عدالتخانه (سایو) یکی از کشتی های روس که  
چینی حمل داشته حرم فرار داده است

§ در دارالشورای ملی انگلستان (مستر نفور) و  
(رهنزی کبل بنرس) از رحلت (دیوک آف کبرج)  
اظهار تأسف نموده چند هفته تعطیل فرار دادند - همین  
قسم در دارالشورای دوق - اعیان حضرت پادشاه و  
ملکه انگلستان برای شرکت در تشییع جنازه بحجاب  
(گلاستر) وقتد ایام ماتم شش هفته رسمی و نیم رسمی  
سه هفته قرار یافته است

### تزیین داری مسلمانان کلکته

بیت نظامین در کلکته از آغاز محرم این طرف  
زیاده شده و بپدید رونق محالس روضه خوانی بجان اصول  
سابقه پیش بود - عزاداری هین قسم که سالهای گذشته

تشریحی از مرثیه‌ها و غزلیات و کلماتی که در آنجا  
 کرده اند  
 در حسیه مرحوم نظر علی خان بتوسط جناب  
 حاج محمد کاظم صاحب تاجر اصفهانی نیز هر شب  
 روضه خوانی زنانه شد  
 تعالی مرحوم حاج میرزا عبدالکریم شیرازی  
 شوسه فرزند ارشد آقا عبدالحمید مرشد مجلس  
 هنر بریا میانه د  
 در میانه برج محاسن مختصر و مطول بزرگ و  
 کوچک خیلی منعقد میگردد من جمله در حسیه نوابه  
 علیة عالیة هر هفتاس (تاج الهند) یکم صاحب مرشد آباد  
 بتوسط جناب خان بهادر حاج میرزا شجاعت علی بیگ  
 هر روز و هر شب عزاداری شد  
 آقا محمد صادق اصنافی شهاب مجلس روضه خوانی  
 زنانه برپا نمود  
 در مسجد مرحوم آقا میرزا علی بهراوی متوایان  
 مسجد مجلس ماتم منعقد و همه روزه اطعام فقرا نیز  
 نموده و شهاب مجلس زنانه منعقد میگردد  
 در حسیه عالی نواب احمد علی خان مرحوم نواب  
 سید یوسف علی خان فرزند ارشد ایشان همه روزه  
 تعزیه داری منصل نمودند  
 آقا و اتق علی نیز در (ناله گنج) پانزده شب تعزیه  
 داری نیکو کرد  
 علاوه بر این محاسن ماتم در طایفه شیمه بسیار  
 بود که ما را فرصت شرکت در آن مجلس نشد  
 برادران سنت و جماعت ما نیز در کلکته چندین  
 مجلس عزاداری با شکوه منعقد نمودند  
 نواب بهادر سید ابیرحمن خان سوسه - آی - ای  
 ده شب باجمداری خالیدانه با شکوه تمام نمودند  
 منشی عالی مرتبتی صاحب کعبه یکی از رؤسای  
 قدمای مسلمانان هند و جماعت است در خانه خود  
 هر شب مجلس روضه خوانی منعقد و نیز عزاداری از روی  
 خالص می نمودند

مجلس تعزیه داری در شهر تبریز و خصوصاً در محله  
 سنت و جماعت ما خیلی منعقد گردید که پیش  
 موجب اذتاب و تطویل است همین قدر میتوانم گفت  
 صکه در میان سنت و جماعت مانند امسال هیچگاه  
 تعزیه داری رونق نداشت  
 در رونق مجلس ایرانیان کسب و کسب بیشتر بواسطه  
 موعظه های حسنة جناب مستطاب شریف محمد آقا تدمیح  
 محمود گلانی (شمس العالی) سادهاقه تعالی که رئیس  
 روحانی شیعیان این خواجه اند بود - با این صکه تا چهار  
 حال باین طرف جناب (شمس العالی) بدون تأیید غیر  
 قادر بر حرکت نیستند - معذک در هیچ مجلس از موعظه  
 و ذکر مصائب خامس آل عبا روحی و روح العالین  
 فداء خود داری نفرمودند - حق این است که وجود  
 این فاضل تحریر در این صفحات برای قاطبه شیعیان از  
 مقتنیات و اعانه و همراهی با این شخص جلیل القدر از  
 واجبات خداوندش توفیقات زیاد فرماید و طغارا  
 سعادت قدردانی بیش از پیش بخشاید  
 تشکر ایرانیان خصوصاً ارباب تعزیه  
 از کشت صاحب  
 بر واضح است که در شهری مانند کلکته که  
 گروه مختلفه در او متوقفند انتظام شهر دادن علم  
 و تعزیه در کوچه و بازار بدون اینکه سدای از  
 کعبه نماند شود کار نیست بس مشکل و حمایت بسیار  
 صعب - اگرچه همه ساله این عمل جاری و این انتظام  
 برقرار بود ولی انتظامی که امسال پلیس عمود زیاد  
 مستوجب تحسین و مزاور آفرین است و از هر  
 ساله پیش و منظم تر و بی ضغائر بود - ازین رو  
 همه شیعیان و همه تعزیه داران خطبه ارباب علم  
 ایرانی بنی ورده مرحوم حکیم گلانی صاحب  
 میرزا مهمی قایت تشکر و تمجید ایشان را از انتظام  
 کشت صاحب تاجر اصفهانی و جماعت است در خانه خود  
 عنوان بالمشایخ و جماعت است در خانه خود  
 حیانتها - حاج قاسم







تاریخ ... (میلادی) ... (هجری) ...

# کتابخانه

۱۲۶۱ روپیه ... (ایران - افغانستان)  
(۴۰ قران - ۲۰ قران)  
(عمان - مصر)  
(۵ عیدی - ۳ عیدی)  
(اروپا - چین)  
(۲۰ قران - ۱۷ قران)  
(روس - پاکستان)  
(۱۰ مانات - ۶ مانات)

... (میلادی) ...  
... (هجری) ...

در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فوائد مافی بحث میشود ...  
... (آزاد است) ...

دانش هیچ اردو حق اردوی دولت الکابیس را قدر  
افرشای جوی به نظم اردوهای نظامی واپون منظم  
و تربی ندیده ام  
این دولت چهل ساله که هنوز شیر ازبستان همچون  
و تربیت شیر نه پوشیده - میخواهد خود را قادر بخشد  
در مشرق زمین مسلم دارد - اهالی واپون علی العموم  
صرفه جوی و باطل و معاش در حلوسد مانت صابر و  
مستقیم اند  
از روی تحقیق آنچه را دولت دوستی صرف هزار  
قشون در اقصای شرق نماید - واپون صرف دو هزار  
لنگر میکند - و این نکته فقط از صرفه جوی و عقل مایش  
واپونان است که گویا ماه غنوم هزاره گردیده است  
آنجی و تحقیق بیوسته دولت واپون تا نچه ماه می  
دوست و بیاید هزار خون را عد سرحد و دهه  
... (روس)

... (میلادی) ...  
... (هجری) ...  
... (کویت) ...  
... (تونس) ...  
... (روسیا) ...  
... (کوبا) ...  
... (ایران) ...  
... (نگران) ...  
... (اسپانیا) ...  
... (مغرب) ...  
... (ایران) ...  
... (نگران) ...  
... (اسپانیا) ...  
... (مغرب) ...

و مغلوب روس شده همه قسم در قبضه اقتدار او خواهد در آمد و هیچ یک از دول مغرب را هم که با مقاومت او نخواهد بود - و طالع از بشرف مقام روس نتواند گردید

ولی سیاستور ژاپن را از بدو امر و آغاز جنگ عقیده بر این بوده و هست که با کمال حلاوت و حرورت دولت روس را از خاک سکورا و منچوریا خارج خواهند نمود و بعد خود را در اقصای شرق غالب خواهند داشت - و محض اینکه دولت حریص مغرب برای شکست هیت و قدرت او اتفاق نه آیند با شرایط مخصوصه و عهده های مال اندیشه او اختصاصات بسیار (کوریا) را آزاد و منچوریا را در نگرانی خود به تصرف چین خواهد داد - تا ابواب اعتراض دول مغرب زمین بسته شود و بر مخالفت وی اتفاق اقدامی نمانند و از آن بعد با دولت چین عقد اتحاد استه انتظام ادارات لشکری و کشوری ویرا دمه گرفته سپس با اتفاق چین جمیع دول زمین را از اقصای شرق خارج خواهند نمود - و بواسطه همین ملاحظاتی بود که از آغاز جنگ دولت ژاپن جمیع دول را رسماً خبر داد که اقدام در لین جنگ بواسطه ملك گیری و بربرک ساختن خریطه ژاپن است بلکه علت این عمارت خلف وعده میباشد که روس مناب تخایه منچوریا نموده و تصرفات غیر مشروع است که در کوریا مینماید کوریا را به آزاد و منچوریا منضمه چین باید در آید

سپهسالار روس (جرم کروپاتکین) تا کنون سخنان حقارت آمیز است بر ژاپن گفته چنان وامی نماید که ژاپن را قابل جنگ و مقابله مینماید و چنان ظاهر مینماید که ژاپن مکارانه باروس حرکت کرده رحم و مروت و اسافد روس او را مغرور داشته است - عملاً قریب عموم - خط و غضب روس سامان ژاپن را چون مشت خاک بر باد خواهد داد - دولت روس دو میلیون قشون در افق های شرق فرستاده است که او را بطل به بسوی خواهد نمود

یکی از اجنبات روس قتل و کشتن - بین از آنیکه

قشون روس تمام لشکریان ژاپن را بکورتیا و منچوریا آمده مانند مرغی که دانه و چیند بر سینه بلختر آنرا زنده نگذارند بلکه بکوره بولوی تفریح و تفریح سفاح روس به بکوره ما گرفته آنوقت یاز بر ژاپن ترحم کرده صلح نامه که بر باد دهند آزادی ژاپن باشد برای همیشه امضا خواهند نمود -

یکی از اخبار نگاران انگلیسی بعد از آنیکه نگارنده این مقاله را تسخیر نموده و گفته که این سخنان واقعی هستند میگوید - که نگارنده این مقاله در عالم رؤیا این امر را در خواب خوش دیده و شوم نموده - در اجساد مینویسد - و تصور میکند که اینک بلخ بر هوا است شروع بجنگ شده و هفتصد جلد از چهار جانب لشکریان روس را ژاپن عقب نشاند و همه روزه اینها پیش و آنها پس میروند و بعضی اینکه لشکریان روس میدان داری باید اقتحار نمود داری و دفاع میکنند - عنقریب روری سیاید که تاریخ عالم بدین سخنانه مغرورانه استوار نماید - خلاصه این گونه عناوین جوته طرفدار دولته متذاعتین بسیار دارند - همه بی بی بر توهمات و تامل است چه پشت و روی و عاقبت این جنگ را امروز کس نمیداند بکجا خواهد انجامید

### حجرات و اتفاق مسلمان پیشی

( رسیده بود بلائی ولی بخیر گذشت )  
در عشره محرم بین فرقه (پوره - اسماعیلی) و برادران سنت و جماعتشان در بعضی زمین پیش آمده اسباب کدورت طرفین شده باغی های جهال بزد و خورد و حرج هم کشید - و هر دو فرقه مستعد شدند که در عید میلاد در مخالفت یکدیگر مقدمه دائر کرده با دستهای بر خیزند و طریقی از کار بکار شده ضرورهای طاعتی دیده مبارکی فوق العاده را متوجه گردید و پس بطریق پیشرو کشتن بولیس ) بالغ بر دویست نفر از مغزین هر دو طایفه را طلب کرده پس از ممنوعیت از همه دوستانه و مشتاق سرپرستان همرا صیحت کرده اظهار داشت که من میخواهم میدانم که این کدورت و شراب از ساطعاتی دور است فرقه اسماعیه و سنت حقیقت است و این نکته است اقسوس است که تنها نیرو یک تقویت و بجهت سون طاعت تا این درجه این کدورت را در طریقی خواهد نمود داده اند - پس شما را اینجا طلب نگارنده این تحقیق نماید

حاجل المتین

آنجی را صحیح اخبارات انگلیسی در باره عدم امنیت و اختشاش سرحد سیستان بصریق مبهم و محمل میسوسد مبنی بر بلذیك و سیاست است. که بدین اسم پی کم کرده حکومت هیدوستان را در دیاد قشون در آن سرحد راهمانی مایند. محتمل است که خود اردیاد قشون بالاصاله سبب نا امنی سرحد گردد. در ماده سرحد سدی از طرف دولت ایران معطلی رح ، نموده طووال در عمل نیز مبنی بر سیاست است که رئیس کمیسیون مدنظر دارد ولی چون وضع ایران عمیر کرده دولت عایه با سکمال جهد اگران حقوق خود است کمان مداریم کمیسیون آن گونه که مدنظر دارد طریق تواند بست مگر ایسکه نازم مأمورین سرحد چشم از حقوق وطن و ملک دولت متبوعه خود نه پوشد و این مسئله نیز با وضع حالیه رحال با کهایت دولت مافات است

انجمن مظفری کلکته

بخشبه سیزدهم شهر محرم الحرام مناسب ایسکه آقای مفحم الساطان از کلکته حرکت میمودند انعداد انجمن شده تا کارروائیهاییکه تا کبور، در محسن شده اظهار و آنچه لازم است موضوع بحث آید

حاجب سؤید الاسلام بدوا عطیه استمراری سالانه نواب والا آقای ساطان محمد شه سرپرست انجمن را اظهار داشته خط نواب والا بر به انجمن پیش شد که اظهار همه گونه همراهی به انجمن نموده امر فرموده بودند که کارروائیهای اهم انجمن بایشان اطلاع داده شود تا رای خود را آنچه صلاح در خیر و نرق انجمن بود پیش مایند اعضای انجمن از اظهارات همدردانه و سرپرستانه نواب والا آقای ساطان محمد شاه اظهار کمال امتنان را نموده و از عطیه استمراری ایشان که يك هزار ریال در ماه رویه مرحمت و وعده داده اند همه ساله مرحمت خواهند نمود تشکر نمودند. و قرار شد تشکرنامه مخصوص از طرف اعضای انجمن بدیشان گسیل شود از آن بعد شعبه از هیدوستان و همراهی طایفه ارامنه

بیکدام يك قشون سوزمند و یکدام بر قشورید و یکدام يك فائده در دیده و یکدام يك نقصان قصد من این است که این قیاق و تقار بر ای همیشه از بین شاهها مرتفع پارم. و همواره شاهها را دوست و شفیق سازم - امیدوارم هر دو فرقه روی سرا گرفته برخاسته صورت هم یکدیگر را به بوسید طرفین سخنان خیرخواهانه رئیس نظمیته را بتخلیه بر یای حاسته بیکدیگر معالجه نمودند

الحق این تدبیر مشفقانه بود که کشتن مبنی در باره نزاعهای قومی نمود و تا امور نظیر آن از پلیس ملاحظه نشده بود رئیس نظمیته بمبئی اصولی اختیار کرده که لازم است جمیع رؤسای پلیس از ایدان پیروی و تقلید نمایند و جمیع مسلمین بمبئی را ازین حسن تدبیر و یکی فطرت رهین امتنان ساخت این است «منی هنل و تدبیر و وظیفه شناسی و خیرخواهی نوع

کوتاه

اخبارات انگلیسی میویسد که حالات سرحدی ایران در سیستان اطمینان بخش نیست و اندیشه فساد در آن نواحی میرود. روسها در کارهای سرحدی خود بگرفتن عملیات برای را موقوف داشته اند. اخبارات مذکوره میویسند - مناسب خوف فساد در سرحد لازم میباشد قشون خود را انگلیس در سرحد سیستان زیاد نماید بیه ایسکه عدده قشون انگلیس در آن سرحد بسیار قبل است

بواسطه زیادتی گری که ایران بتسازگی گذارده که از این سرحد اسب خارج میشود - و تا اندازه این تسلیح طلبه فسان ایران شده است

برای کمیسیون سرحد بندی سیستان از کوبنه بتازگی مبلغ هنگفتی فرستاده شده و جماعتی نیز برای حفاظت همزاد سندوقخانه بودند - کار سرحد بندی کمیسیون انگلیس تشکل است بدین زودی انجام پذیرد و قبل از نگاه اکثریت و نومبر کمیسیون منبور هندوستان عودت نخواهد نمود تا آنکه صورت برودت هوا سنگ را بینگانت حمل سرحد بندی موقوف ماند



ایران مقیدین کلکته که از راه نجب وطن باین مدرسه  
و انجمن شده پیش شد. علاوه بر اینکه جی ارمزین  
ارامنه طایفه (مستر ۰۱ استیفن) جوهری اصفهانی و  
(مستر طاسن ملک) و غیره عصویت الحسن را خواستگار  
شده و هر یک ماهانه ده روپیه بر ذمه گرفته بانجمن  
رسانند جهتی از بزرگان ارامنه نیز عطیه استمراری  
بانجمن دادند

کسانی آنگار که ابا عن حد اصفهانی میباشند با صد  
روپیه داد - مستر گلسون دوست روپیه - مستر اتون  
دوست روپیه - مسر - استیفن علاوه بر ماهی  
ده روپیه دوست روپیه - مستر ام وی - ایگار یخاه روپیه  
مستر ج - مکحان کپانی یخاه روپیه - مستر ام - مکتبش  
صد روپیه دیگر ارامنه نیز وعده داده اند که همه قسم  
همراهی بانجمن به مانند و در آینده هر کس هر چه به  
انجمن و مدرسه همراهی نماید در نامه مقدسه درج  
خواهد شد اعصای انجمن پس از استماع این گونه  
همراهی ارامنه اظهار امتنان نموده قرار بر این دادند که  
هر یک از معاونین تشکر نامه مخصوص فرستاده شود  
از آن بعد جناب - فقیم السطان سای حاسته شی  
دلیغ در منافع این مدرسه و انجمن بیان کرده ایرانیان  
را ترغیب و تشویق در ترقی دادن مدرسه بانجمن نموده  
ضمناً بیان نمودند

آقایان - مراد دو مقام است یکی باینستکی دولت عامه  
مقبوعه ما و شا - و دیگر شرکت ملیه باشاهها که  
یکی از افراد ملت هستیم - من هر دو حیثیت خود در  
ایرة امتحانات و استحقاق مدرسه و انجمن همه گونه  
حاضر و همه قسم همراه و خود را در این مقام  
مستعد یکی از افراد شاهان میدام خواهش میکنم همه  
همت کنیم و این مدرسه و انجمن که اسباب تربیت ابناء  
وطن عزیز و مورث اشاعه زبان ملی و دولتی ما در  
هندوستان است ترقی دهیم - بزودی ماباید بتای محبتی  
رای این مدرسه قائم نمایم که انشاء الله در آینده از همه گونه  
آفات مصونه محضه طایفه حاجی همه همت نموده باید باز

هم همت کنید - در صورتیکه از صاحب خیراتن و ملک دیگر  
ایران مثل ملت ارامنه این قسم باشاهها همراهی و بجهت  
می شود خودتان بیشتر باید همراهی و امانه و همت کنید  
هر قوم که ترقی کرده بواسطه علم و تربیت بوده علم  
و تربیت جز بذریعه فوسگاه محلی نماند ملاحظه فرمایید  
عمومیه در هیچ ملت نماند نماند ممانت از امانه کلکته که  
امروز دارای همه گونه تجارت عزت ثروت و خدمت  
اند از برکت مدرسه عظیمه میباشند که بنیمت بزرگان  
شان قائم شده و امروز از مدارس عالیة دستگیره کاسکته  
بنهار میرود - آنها نیز ایرانی و از اهل وطن ما هستند  
چرا نباید مسلمانان ایران نیز همت خود را بدیالاج طالبه  
برسانند و فرزندان عزیز خود را برای ترقی و آئینه تسلیم  
و تربیت دهند

اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ولی ثمت کل و  
پدر تاجدار ایرانیان لرواخصاً فداء از پدر مهربان  
فرزندان عزیز یعنی رعایای ایران مهربانتر و هماره  
در ترقیات افراد نوع از هیچ گونه همراهی دریغ  
نداشته و ندارند - اعلیحضرت شاهنشاهی از راه رحمت  
نواری سر پرست حقیقی این انجمن و مدرسه قرار  
نافته اند - جمیع مدارس ملیه چه در خارجه و چه در  
داخله در نظر مبارکشان عزیز و معشوق علم و مهربی ابناء  
وطن در هر حال بوده و هستند و در جمیع بدلیس ملیه  
بدون ملاحظه مذمت و قوم همه قسم همراهی فرموده و  
میتوانند و در راه این مدرسه نیز همه قسم سر پرستی  
خواهند فرمود - من چه حاضر باشم و جمیع غایت چه  
هندوستان باشم چه در خارج صرفی مقدسیت در حق و ترقی  
و استحقاق این انجمن و مدرسه خواهم نمود در جمیع اعضای  
انجمن نباید تصور نمایند که چند نفر مختص خلعت  
این انجمن را ذمه گرفته دیگران بجهان لیس شوکت یا  
ما صانعه که میدهند قنایند نمایند همه باید دست  
بدست بکنند بگر داده در ترقی این انجمن و مدرسه  
ملیه صکه اقتضای در اقصا بلاد بنگال بنام مقدس  
شاهنشاه اسلامستان بنام ولنجعت مله اسطان اده احنا